

## بررسی رابطه حضور در دریاهای آزاد و توسعه هویت ملی (با تاکید بر تدابیر مقام معظم رهبری)

<sup>۱</sup> علی آدمی، <sup>۲</sup> سودابه قیصری بهمند، <sup>۳</sup> عطیه خاکسار فرد

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری جامعه شناسی فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبایی

### چکیده

هویت امری برساخته است. عرصه بین‌الملل در قرن بیستم، فضای برای بازنمایی هویت‌های ملی کشورهاست و هر جامعه‌ای سعی در نمایش مقتدارانه خود و قدرت دفاعی‌اش دارد. نیروی دفاعی و ارتش هر کشور، به عنوان نیروهای نظامی از دیرباز تا کنون عامل نمایش قدرت نظامی و توان بازدارنده هر کشور مورد توجه قرار گرفته است. مقام معظم رهبری با بیان اهمیت حضور ارتش جمهوری اسلامی ایران در عرصه جهانی و تعامل آن با فرهنگ ملی و هویت ایرانی - اسلامی، خواهان دستیابی به اهداف جهان اسلام و تحقق مسالمت‌آمیز آن‌ها هستند. در همین راستا با مطالعه اسنادی و با استفاده از رویکرد سازه‌گرایانه، حضور ایران در آب‌های آزاد و تاثیر آن بر توسعه عناصر هویت ملی را مورد واکاوی قرار دادیم. نتایج حاصل از آن است که ایدئولوژی اسلامی، توان مقاومت فعالانه در صحنه‌های بین‌المللی، حضور ناوگان‌های ارتش ایران در دریاهای آزاد به برسازی هویت ملی و تقویت آن ختم خواهد شد.

**واژه‌های کلیدی:** آب‌های آزاد، فرهنگ راهبردی، حقوق دریاهای آزاد، هویت ملی، حقوق بین‌المللی، قدرت دفاعی، امنیت.

### ۲- تعریف مفاهیم اساسی

#### ۱- مقدمه

قدرت دفاعی: قدرت دفاعی، ظرفیت یک کشور در پی‌گیری اهداف امنیتی با ابزارها و اقدامات برنامه‌ریزی شده است. (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۷: ۱۶)

آب‌های آزاد (دریاهای آزاد):<sup>۱</sup> واژه دریاهای آزاد به همه مناطق اقیانوس‌های جهان اشاره دارد که بیرون از محدوده آب‌های داخلی و دریاهای سرزمینی دولت‌های ساحلی واقع اند و به روی همه ملت‌ها بازند، و هیچ دولتی نمی‌تواند به طور قانونی بر هیچ بخشی از آنها اعمال حاکمیت کند. به طور سنتی «قسمت‌هایی از دریا که جزء دریای سرزمینی یا آب‌های داخلی هیچ دولتی نباشد را دریای آزاد تشکیل می‌دهد.»<sup>۲</sup> با ظهور ایده منطقه انحصاری اقتصادی و مفهوم آب‌های مجمع‌الجزایری این تعریف اصلاح شده است. ماده ۸۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ مقرر می‌کند که دریای آزاد عبارت است از:

«...کلیه قسمت‌های دریا که جزء منطقه انحصاری اقتصادی، دریای سرزمینی یا آب‌های داخلی کشورها یا بخشی از آب‌های مجمع‌الجزایری کشورها ی مجمع‌الجزایری نباشد.»

علاقه‌مندی حاکمان و دولت‌ها برای گسترش حیطه حاکم بودن خویش بر دریاهای سابقه‌ای بسیار طولانی دارد، اما توجه قدرت‌های استعماری اروپا در نیمه دوم قرن پانزدهم به کشف مناطق جدید و تصرف سرزمین‌های تازه، باعث افزایش فوق‌العاده این توجهات بسوی دریاهای شد. قدرت‌های دریایی یکی پس از دیگری، حاکم بودن بر آب‌های جهان را در اختیار گرفتند و در جهت افزایش این قدرت کمترین حقوق را برای دولت‌های ساحلی قایل شدند. در مقابل، دولت‌های ساحلی برای تأمین امنیت خویش بهره‌برداری از منابع دریایی و بعدها منابع زیربستر بر میزان بیشتری از آب‌های ساحلی کوشش می‌کردند. کشمکش‌های فراوانی طی قرن هفدهم تا قرن حاضر بین دولت‌ها در این زمینه وجود داشته که گاهی اوقات به درگیری‌هایی نیز منجر شده است.

پس از جنگ جهانی اول و با تشکیل جامعه ملل، اولین کنوانسیون حقوق دریاهای سال ۱۹۳۰م در شهر لاهه تسکین شد که به هیچ‌گونه تفاهمی دست نیافت اما طرح مسأله در میان کشورها به عنوان اولین قدم قابل توجه بود. سازمان ملل متحد نیز با تشکیل دو کنفرانس در سال‌های ۱۹۵۸م و ۱۹۶۰م تلاش کرد تا به اتفاق نظری در مورد حقوق بین‌الملل دریاهای دست پیدا کند که توفیق چندانی به همراه نداشت.

از سوی دیگر هویت ملی به میزان قابل توجهی به حضور مقتدارانه هر کشور در عرصه بین‌الملل بستگی دارد و کنش‌گران خود را به واسطه وجه تمایز و میزان توانایی‌های بالقوه و بالفعل خود در عرصه جهانی، بر می‌سازند. در این نوشتار با بهره‌گیری از مطالعات انجام شده به رابطه حضور در دریاهای آزاد و توسعه هویت ملی با توجه به تأکیدات و فرامین مقام معظم رهبری پرداختیم؛ اما پیش از ورود به مبحث اصلی، مفاهیم اصلی آورده شده است.

هویت ملی: هویت ملی، همان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و نسبت به کل جامعه در نظر گرفته شده است، و می‌توان گفت هویت ملی به این معناست که افراد یک جامعه، نوعی منشأ مشترک را در خود احساس کنند (یوسفی، ۱۳۷۹: ۲۶ و ۲۷). در تعریفی دیگر: «هویت ملی، مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی، است که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود؛ و لذا، هویت ملی، اصلی‌ترین سنتز و حلقه ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است» (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۷).

<sup>۱</sup> FREEDOM OF THE SEAS

<sup>۲</sup> Convention on the High Seas 1958, Article 1

### ۳- قوانین آب‌های آزاد

دریای آزاد به روی همه دولت‌ها باز است و هیچ دولتی نمی‌تواند ادعای مشروعی به منظور حاکمیت بر قسمتی از آن داشته باشد (ماده ۲، کنوانسیون ۱۹۵۸؛ مواد ۸۷ و ۸۹، کنوانسیون ۱۹۸۲).

دریایا به عنوان عرصه‌ای برای پیاده‌سازی فرهنگ راهبردی و نمایش اقتدار کشورها، مکانی متعلق به عموم جهانیان محسوب می‌شود. طبق تحولات صورت گرفته در جهان، چهار تلاش عمده در سطح رسمی برای تدوین حقوق دریایا صورت گرفته است:

۱- کنفرانس لاهه- ۱۹۳۰

جامعه ملل در سال ۱۹۲۴، تشکیل کمیته‌ای از کارشناسان، که مأموریت تهیه فهرستی از موضوعات آماده تدوین از جمله مسائل مربوط به حقوق دریا را نیز به عهده داشتند، تدارک دید. منجر به تشکیل کنفرانسی در سال ۱۹۳۰ در لاهه در زمینه حقوق دریایا شد که متأسفانه، نتیجه‌ای جز اظهار امیدواری در بر نداشت.

۲- کنفرانس ژنو ۱۹۵۸

پس از تشکیل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، نهادی با عنوان کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۴۷، جهت تدوین حقوق بین‌الملل تأسیس شد. این کمیسیون، اقدام به تهیه پیش‌نویس مواردی در زمینه حقوق دریایا نمود که شالوده کنفرانس ۱۹۵۸ ژنو در زمینه حقوق دریایا بود. در کنفرانس ۱۹۵۸ ژنو چهار کنوانسیون تصویب شد.

الف. کنوانسیون دریای سرزمینی و منطقه مجاور

ب. کنوانسیون دریای آزاد

ج. کنوانسیون فلات قاره

د. کنوانسیون ماهیگیری و حفاظت منابع زنده دریای آزاد.

۳- کنفرانس ۱۹۶۰ ژنو

کنفرانس ۱۹۵۸ اگر چه موفق به تصویب کنوانسیونی با عنوان دریای سرزمینی شد اما نتوانست مهم‌ترین مسأله، یعنی عرض دریای سرزمینی را تعیین کند، لذا در سال ۱۹۶۰، دومین کنفرانس ملل متحد در مورد حقوق دریایا تشکیل شد که به دلیل تعارض دادگاه‌ها بدون نتیجه به کار خود پایان داد.

۴- کنفرانس ۱۹۸۲ نیویورک

به دلیل حضور دولت‌های جدید الاستقلال در سازمان ملل که در کنفرانس ۱۹۵۸ دخیل نبوده‌اند و عدم پیش‌بینی منابع معدنی موجود در بستر دریایا در کنفرانس ۱۹۵۸ به خاطر عدم شناخت این منابع و نداشتن دانش فنی برای بهره‌برداری از آنها و پاسخگو نبودن کنوانسیون‌های موجود در برابر آلودگی‌های زیست محیطی و نامعین بودن عرض دریای سرزمینی، نهایتاً به دنبال پیشنهاد آروید پارود<sup>۳</sup> در اعلام بستر اعماق دریایا و منابع آن، به عنوان «میراث مشترک بشریت» در سال ۱۹۶۷ کمیته ویژه بستر دریایا توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تشکیل شد که اولین جلسه کنفرانس برای این موضوع در سال ۱۹۷۳ و پس از آن هر سال چند ماه به کار خود ادامه داد، تا در سال ۱۹۸۲ کنوانسیونی جامع از قواعد اساسی حقوق دریایا را به تصویب رساند که از لحاظ شمولیت اعضا و موضوعات از جایگاه خاصی برخوردار است.

کشورهای غربی با وضع قوانینی، خواهان سلطه خود بر اموال عمومی مردم جهان دارند در حالی که به موجب ماده ۸۷ کنوانسیون حقوق دریایا ۱۹۸۲ آزادی‌های موجود در دریای آزاد را اینچنین آمده است:

۱. آزادی کشتیرانی

کشتی‌های همه دولت‌ها خواه جنگی، دولتی یا تجاری حق دریانوردی در دریای آزاد را دارند و هیچ دولتی نمی‌تواند از کشتی‌های تجاری خارجی بخواهد به کشتی‌های جنگی ادای احترام کند.

۲. آزادی پرواز

۳. آزادی قرار دادن کابل و لوله‌های زیردریایی

۴. آزادی ساختن جزایر مصنوعی و سایر تاسیسات مجاز

۵. آزادی ماهیگیری

۶. آزادی تحقیقات علمی (مقتدر، ۱۳۷۶: ۲۰۹)

به موجب ماده ۸۸ کنوانسیون ۱۹۸۲، دریای آزاد مخصوص استفاده مسالمت آمیز است. دریای آزاد ممکن است مورد استفاده نیروهای دریایی قرار گیرد ولی استفاده از آن برای هدف‌های تهاجمی نقض ماده مزبور و بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد می‌باشد. ماده ۳۰۱ کنوانسیون نیز مقرر داشته است که دولت‌های عضو باید از هر گونه تهدید یا استفاده از زور در دریای آزاد، که مغایر با منشور ملل متحد خودداری کنند.

در سال ۱۹۶۳ کنفرانس نیویورک آغاز به کار کرد و بعد از آن کنوانسیون حقوق دریایا در سال ۱۹۸۲ در جامائیکا تشکیل شد اما لازم الاجرا شدن آن منوط ب تصویب یا الحاق ۶۰ کشور و سپری شدن ۱۲ ماه از زمان تودیع شصتمین سند تصویب یا الحاق بود که این شرایط در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ تحقق پذیرفت.

در کنوانسیون ۱۹۸۲ دریای آزاد شامل تمام قسمت‌های دریا به جز منطقه انحصاری اقتصادی یا منطقه ماهیگیری، دریای سرزمینی، آب‌های داخلی یا آب‌های مجمع‌الجزایری می‌گردد. بدین ترتیب منطقه انحصاری اقتصادی و آب‌های مجمع‌الجزایری از حیثه شمول دریای آزاد خارج شدند و گستره دریای آزاد محدود شد. البته اعماق دریایا (اعم از بستر و زیربستر) در دریای آزاد هرچند ظاهراً در منطقه دریای آزاد قرار دارند اما به عنوان «منطقه»<sup>۴</sup> تابع نظام حقوقی خاص و جدا از نظام حقوقی دریای آزاد هستند.

مرکز ثقل کنوانسیون این مفهوم است که برخورداری از حقوق و منافع با تقبل تکالیف و وظایف همراه است و به این ترتیب یک نظم کلی منصفانه بین حقوق و تکالیف مندرج در کنوانسیون ایجاد گردیده است. این مفهوم توازن حقوق و تکالیف در ماده ۳۰۰ کنوانسیون که رعایت حسن نیت را در اجرای تکالیف الزامی و سوء استفاده از حقوق را منع می‌نماید، مورد تأکید قرار گرفته است.

### ۴- برسازای هویت ملی

به نظر سازه‌گرایان، اغلب هنجارها هویت کشور را شکل می‌دهند. به وجود آمدن و به دنبال آن استمرار استوار مجموعه‌ای از هنجارهای مرتبط و تکمیل کننده همدیگر سرانجام ممکن است باعث ایجاد هویتی مشخص برای کشورها گردد و در نهایت سیاست‌ها و راهبردهای آن کشور را در عرصه‌های امنیتی تحت تاثیر قرار داده، یا حتی تشکیل دهد. مفهوم هویت در روان‌شناسی

<sup>۴</sup> ZONE

<sup>۳</sup> Arnid pardo

بنابراین حضور فعالانه و پراقتدار ارتش هر کشور در آب‌های آزاد، نمادی از اقتدار جهانی و توسعه فرهنگ ملی محسوب می‌شود. در یادار حبیب‌الله سیاری فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در این باره گفتند:

«دلیل حضور ایران در دریای عدن برای تامین منافع جمهوری اسلامی ایران است، ضمن اینکه هم اکنون از ۳۰ کشور دنیا در خلیج عدن حضور دارند.»<sup>۷</sup>

عبدالله خانی در کتاب خود با عنوان فرهنگ راهبردی رابطه میان فرهنگ و امنیت ملی را این‌گونه توصیف می‌کند: «دو رویکرد عمده رقیب در مطالعات امنیتی، نئورئالیسم<sup>۸</sup> و سازه‌گرایی<sup>۹</sup> هستند. تفاوت عمده نئورئالیست‌ها و سازه‌انگاران این است که نئورئالیست‌ها صرفاً بر قدرت نظامی یا منافع مادی توجه می‌کنند در حالی که سازه‌انگاران تأثیرات فرهنگ و هویت، هنجارها در نهادها و خط مشی‌ها و اقدامات امنیتی را نیز در نظر می‌گیرند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۴: ۶۴).

به همین ترتیب، تغییر در هویت می‌تواند علایقی که سیاست امنیت ملی را شکل می‌بخشد، تغییر دهد. در دوران فعلی که به تدریج چندجانبه‌گرایی به عنوان یک بخش سازنده هویت در پاره‌ای از کشورها، درونی گردیده علاقه به مشارکت در سیاست‌های چندجانبه‌گرایی افزایش یافته است. حتی گاهی ممکن است فعالیت یا سیاست کشور ایجاد مستقیم یا بازتاب سیاست هویت باشد. مثلاً استمرار سیاست امنیتی آلمان و ژاپن را می‌توان بیشتر به سیاست داخلی هویتی آن‌ها منسوب کرد. (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۴: ۷۹).

دگروت و همکاران ۱۰ در مقاله (واسازی گفتار ایرانیان) معتقدند که سه مؤلفه اصلی فرهنگ راهبردی ایران که تبیین‌کننده رابطه میان ایران و آمریکا است را می‌توان این‌گونه دسته بندی کرد:

- باور به اسلام که منجر به دشمنی عمیق با آمریکا است.
- قایل بودن به نقش ایران به عنوان اعاده کننده صلح و ثبات در منطقه که منجر به ستمگر و قلدر دانستن آمریکا است.
- باور به خدا و حضرت محمد(ص) که باعث می‌شود هنگامی که تهدیدی احساس می‌کنند به خداوند و حضرت محمد(ص) به عنوان محافظت‌کنندگان خودشان پناه می‌برند. آن‌ها معتقدند که خداوند در برابر تهدیدها و دشمنان از آن‌ها محافظت می‌کند.

محمود عسگری سه مؤلفه مذهب، تجربیات تاریخی و نظام بین الملل را سازنده فرهنگ راهبردی ایران می‌داند:

مذهب: درباره مذهب و تاثیر فرهنگ شهادت طلبی پیش از این گفته شد. تجربیات تاریخی: تاریخ معاصر ایران، به ویژه در حوزه روابط خارجی تداعی‌کننده بی‌اعتمادی و مخدوش شدن «غرور ملی» ایرانیان است. توضیح

اجتماعی به تصویری که فرد از خود می‌سازد گفته می‌شود؛ به طوری که این تصویر در راستای تمایز فرد با سایرین و در عین حال مبتنی بر رابطه او با دیگران ساخته می‌شود. ملت‌ها برای خود هویت جمعی می‌سازند و این مفهوم در تحلیل‌های مبتنی بر فرهنگ راهبردی کارآیی زیادی دارد.

هویت ملی، همان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و نسبت به کل جامعه در نظر گرفته شده است، و می‌توان گفت هویت ملی به این معناست که افراد یک جامعه، نوعی منشأ مشترک را در خود احساس کنند (یوسفی، ۱۳۷۹: ۲۶ و ۲۷). در تعریفی دیگر: «هویت ملی، مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی، است که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود؛ و لذا، هویت ملی، اصلی‌ترین سنتز و حلقه ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است» (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱۹۷).

## ۵- رابطه هویت ملی و حضور در آب‌های آزاد با تاکید بر

### رهنمودهای مقام معظم رهبری

نیروی دریایی ایران مبتنی بر تدابیر و سیاست راهبردی رهبر معظم انقلاب از اواخر سال ۱۳۸۷ و اوایل سال ۱۳۸۸ حضور در آب‌های آزاد بین المللی را آغاز کرد. مقام معظم رهبری درباره فرهنگ‌سازی و استحکام هویت ملی با حضور در آب‌های آزاد فرمودند: «جمهوری اسلامی ایران اهل تجاوز نیست ولی اهل حضور در آب‌های آزاد است زیرا آب‌های آزاد دنیا متعلق به همه و بستری برای انتقال فرهنگ است»<sup>۱۰</sup>

نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در منطقه شمال اقیانوس هند، خلیج عدن، باب المندب و دریای سرخ با اقتدار حضور دارد. نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سه سال گذشته در مناطق مذکور نزدیک به هزار و ۵۰۰ فروند کشتی تجاری و نفتکش را اسکورت کرده و بیش از ۱۱۰ مورد با انبوه قایق‌های دزدان دریایی درگیری شدید داشته و توانسته است مأموریت خود را به خوبی انجام دهد. این عوامل اقتداری در عرصه بین المللی، همگی در برسازی هویت تاثیر بسزایی دارند. به عقیده سازه‌گرایان هویت هم منافع را به وجود می‌آورد و هم به آن‌ها شکل می‌دهد. سازه‌انگاران معتقدند کشورها می‌توانند در ایجاد، دوام یا گسترش یک هویت ویژه دارای علایقی گردند. مثلاً تعهد به هویتی متمدن، به پذیرش هنجارهایی که سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای را نامشروع می‌کند، شدت می‌بخشد.

مقام معظم رهبری درباره اقتدار حضور ایران در آب‌های آزاد و لزوم تقویت آن فرمودند:

«این حضورها دشمن را به شدت دستپاچه و هراسناک کرد زیرا حضور مقتدرانه یگان‌های دریایی جمهوری اسلامی ایران در آب‌های آزاد برای ملت‌ها الهام بخش و امیدآفرین است. جمهوری اسلامی ایران اهل تجاوز نیست ولی اهل حضور در آب‌های آزاد است زیرا آب‌های آزاد دنیا متعلق به همه و بستری برای انتقال فرهنگ است. نیروی دریایی با چنین مختصات راهبردی، برای سیاست، عزت ملی و استقلال کشور نقش آفرین خواهد بود.»

<sup>۷</sup> دک خبر: ۴۰۶۳۶ تاریخ انتشار: ۲۹ فروردین ۱۳۹۰ -

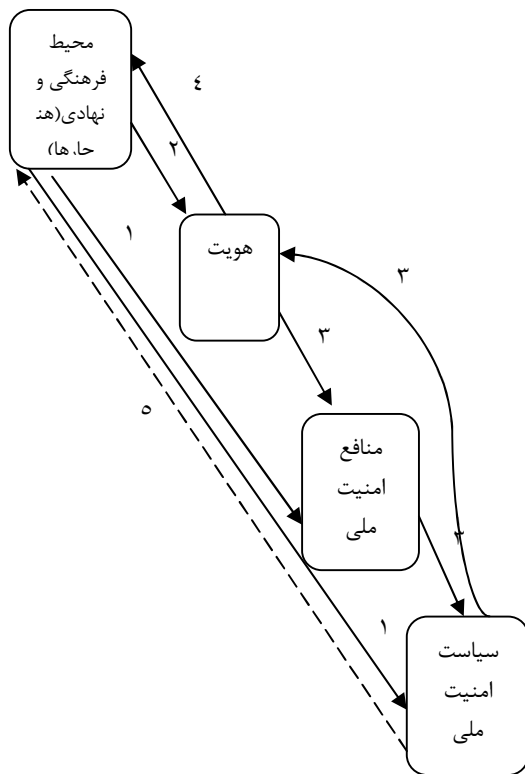
<sup>۸</sup> Neo-realism

<sup>۹</sup> Constructivism

<sup>۱۰</sup> Degroot and et al, "Deconstructing Iranian Speech: A Strategic culture Analysis", prepared for a select group of U.S. government agencies interested in developments in the Middle East. pp22-32

<sup>۱</sup> تابستان سال ۹۰ با حضور در قرارگاه مقدم نیروی دریایی ارتش - ناوگان جنوب

<sup>۲</sup> تابستان سال ۹۰ با حضور در قرارگاه مقدم نیروی دریایی ارتش - ناوگان جنوب



مدل ۱-۵- رابطه بین عناصر امنیت ملی و عناصر محیطی فرهنگ

شرح بردارها به قرار زیر است :

تاثیر مستقیم محیط فرهنگی و نهادی بر منافع امنیت ملی و سیاست امنیت ملی.

تاثیر هنجارها به عنوان یکی از عوامل محیط فرهنگی و نهادی داخلی، ملی و جهانی بر شکل‌گیری هویت کشورها.

تاثیر نوسان یا تغییر هویت کشور بر منافع و سیاست امنیت ملی.

تاثیر پیکربندی هویت کشور بر ساختارهای هنجاری بین‌کشوری.

نقش سیاست‌های دولت در تولید و بازسازی ساختارهای فرهنگی و نهادی.

دشمن به این موضوع واقف است که اگر در فن‌آوری‌های نظامی دارای برتری است ولی نیروهای دفاعی کشورمان، با ایمان، ابتکار و استفاده از پهناوری سرزمین و فراوانی جمعیت، دارای مزیت‌هایی انکارناپذیر هستند. به بیان دقیق‌تر، اگر خواسته باشیم بر مبنای این برتری‌ها، جنگ آینده ایران با کشوری هم‌چون آمریکا را سناریوسازی نماییم، باید گفت که آمریکا مبتنی بر این برتری خود، تکیه زیادی بر جنگ دورایستا (استفاده از موشک‌های دوربرد و ...) خواهد داشت. به نحوی که عمده مراحل آفند دشمن از طریق هوایی انجام می‌شود. البته در مراحل بعدی جهت تصرف و تثبیت وضعیت، گریزی از جنگ زمینی ندارد. این در حالی است که عوامل برتری جمهوری اسلامی بسیار مناسب جنگ‌های زمینی است. بنابراین در یک کلام باید اذعان داشت که «شیوه جنگ ایرانی» نسبت به «روش نبرد آمریکایی» دارای برتری می‌باشد. (عسگری، ۸۴: ۲۲-۲۶)

آن که به دلیل ضعف درونی حکومت‌های مرکزی، قلمرو امور داخلی کشور (در اختیار قدرت‌های بیگانه و ذی‌نفوذ بود. در واقع قدرت‌های بزرگ به دلیل جغرافیای بی‌نظیر ایران همواره در تلاش بودند به نوعی بر کشورمان سلطه داشته باشند. این خواست آن‌ها همراه با کوتاه‌فکری و بی‌لیاقتی دولت‌مردان (وقت کشور) در اغلب موارد منتهی به انعقاد قراردادهایی می‌گردید که نتیجه آن واگذاری امتیازات فراوان، حقارت ملی و یا بی‌ثمر کردن تلاش‌های مردم بود. قراردادهای ترکمنچای و تالبوت، کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ... از بارزترین خیانت‌های بیگانگان بوده و به خوبی بیانگر دلایل بی‌اعتمادی مردم و نخبگان کشور به قدرت‌های استعماری است.

برخی از صاحب‌نظران نیز به این واقعیت اشاره نمودند. گراهام فولر معتقد است: «کمتر ملتی را می‌توان سراغ کرد به استثنای تعداد اندکی که مانند ایرانیان تا به این حد شاهد تهاجمات ویرانگر بوده باشد...»<sup>۱۱</sup> این تصور منفی نسبت به بیگانگان به حدی پراهمیت است که در قانون اساسی نیز تبلور یافته است.

«هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است.»<sup>۱۲</sup> در یکی دیگر از اصل‌های قانون اساسی آمده است که:

«استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز باشد، ممنوع است.»<sup>۱۳</sup>

برخی شواهد و قرائن دیگر نیز موید این بی‌اعتمادی است. یک نظرسنجی انجام شده از جوانان کشور نشان می‌دهد که حدود ۸۵ درصد افراد جامعه آماری عنوان نمودند که به آمریکا اعتماد ندارند، هم‌چنین نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که ۸۳/۵ درصد افراد اعتقاد داشتند، کشورهای غربی به خصوص آمریکا و انگلیس خواهان استقلال و آزادی و پیشرفت کشور ما نیستند.

بنا به موارد ذکر شده، باید گفت که میزان حضور و اقتدار نیروی دریای جمهوری اسلامی ایران به مثابه تقویت بنیان‌های هویت ملی است که از حمایت سرمایه‌های اجتماعی کشور برخوردار است. رابطه متقابل میان عناصر امنیت ملی و عناصر محیط نهادی و فرهنگ را نشان می‌دهد.

<sup>۱۱</sup> - گراهام فولر، قبله عالم ژئوپلیتیک ایران،

عباس فجر، تهران، نشر مرکز ۷۳

<sup>۱۲</sup> - اصل ۱۵۳ قانون اساسی

<sup>۱۳</sup> - اصل ۱۴۶ قانون اساسی

مستقیم با مجموعه سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و علمی کشور است که با مدیریت صحیح این سرمایه‌ها می‌توان روز به روز بر اقتدار ملی افزود.

#### ۷- مراجع

- [۱] بشی‌ری، نسی‌ن توسعه سیاسی و بحران هویت ملی (گفت‌وگو)، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۵، سال انتشار ( ).
- [۲] بیگ زاده، ابراهیم؛ حقوق در ها (جزوه درسی)، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی - .
- [۳] چرچیل، رابین و آلن لو، حقوق بین الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی، تهران: گنج دانش، سال انتشار ( ).
- [۴] کاظمی، س. ع. ا. ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، سال انتشار ( ).
- [۵] گراهام فولر، قبله عالم ژئوپلیتیک ایران، عباس فجر، تهران، نشر مرکز، سال انتشار .
- [۶] مجتهدزاده، پی‌روز، هویت ایرانی در آستانه سده بیست و یکم، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش - ، سال انتشار ( ).
- [۷] مقتدر، هوشنگ، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، سال انتشار ( ).

[8] UN. DOC, A/Conf.62/48/122 Convention on the Law of the Seas, 7 Oct, 1982, Article 86.

[9] Convention on the High Seas 1958, Article 1

رشد و پیشرفت قدرت ناوگان دریایی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر بر جهانیان نمایان شده است؛ لذا می‌توان گفت که یکی از پر اهمیت‌ترین وجوه حضور نیروی دریایی ایران در آبهای آزاد به خصوص دریای مدیترانه نزدیک شدن ناوهای جنگی ایران به خاک رژیم اشغالگر قدس است. این موضوع تا جایی حساسیت داشته و دارد که زمان حضور ایران در سواحل مدیترانه نیروهای نظامی صهیونیستی به مدت ۱۵ روز آماده باش کامل بودند و با هواپیماهای بدون سرنشین و حتی با سرنشین حضور ایران را رصد می‌کردند.

#### ۶- نتیجه‌گیری

تا قبل از فروپاشی شوروی رویکرد واقع‌گرایی و نواقعی‌گرایی بر روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی غالب بود. واقع‌گرایی بر سه اصل استوار است: ۱- دولت‌ها بازیگران اصلی سیاست جهانی هستند، رفتار دولت‌ها عمدتاً تحت تاثیر محیط بیرونی است و دولت‌ها صرف‌نظر از نوع فرهنگ و نظام سیاسی، ۲- طبق منطق واحدی عمل می‌کنند و دولت‌ها به افزایش قدرت تمایل دارند و برای کسب قدرت میان خود به رقابت می‌پردازند. این نگرش ۳- بر این فرض استوار است که انسان‌ها ذاتاً شرور بوده و در پی کسب قدرت هستند. آن‌ها اشتیاق سیری‌ناپذیری برای کسب و افزایش قدرت دارند. از این‌رو سیاست بین‌الملل صحنه چالش دولت‌ها برای کسب قدرت است و هر دولتی می‌کوشد تا امنیت و منافع ملی خود را به حداکثر برساند. چرا که هیچ قدرتی فراتر از خود دولت‌ها در نظام بین‌الملل وجود ندارد.

همه شواهد و قراین حکایت از افزایش بی سابقه اقتدار ایران در زمین، دریا و آسمان دارد. همین امر سبب شده که تحرکات آمریکایی‌ها در منطقه بی نتیجه مانده و تا کنون هیچ کشوری در منطقه حاضر نشده است بازچه ریسک محکوم به شکست غربی‌ها شود. جمهوری اسلامی ایران در سه دهه گذشته نشان داده است که هیچ وقت تهدیدی برای منطقه و جهان نبوده است. اقتدار ایران علاوه بر ظرفیت‌های تعریف شده در حوزه سخت افزاری، در پیوند